

## شرح احوال و آثار و خوارق حضرت شرف الدین بوعلی قلندر رحمه الله

عبدالوحید\*

شعیب احمد\*\*

### چکیده:

حضرت شرف الدین شاه بوعلی قلندر رحمه الله یکی از سخنوران و نویسندگان نامی فارسی شبه قاره در قرن هفتم و هشتم هجری در پانی پت به دنیا آمد. وی سر سلسله شاخه قلندر شاهی طریقه چشتیه بود. وی شاهد آخرین سالهای دولت خلجیان در هند بوده است. وی در سال ۷۲۴ هجری چشم از جهان فرو بست و به خاک سپرده شد. در مقاله حاضر شرح احوال و آثار و خوارق حضرت شرف الدین بوعلی قلندر رحمه الله خیلی جالب است و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مهم ترین موضوعات وی مطالب دینی و مذهبی، اخلاقی، عرفانی، و جزآن است.

**واژه های کلیدی:** حضرت شرف الدین شاه بوعلی قلندر، پانی پت، دولت خلجیان، هند، مهم ترین موضوعات آثارش: مطالب دینی و مذهبی، اخلاقی، عرفانی.

\*دانشجوی دوره دکتری، دانشکده خاور شناسی، دانشگاه پنجاب، لاهور، پاکستان

\*\*استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور، پاکستان

حضرت شرف الدین شاه بوعلی قلندر رحمه الله یکی از سخنوران و نویسندگان نامی فارسی شبه قاره در قرن هفتم و هشتم هجری محسوب است. وی پدید آورنده آثار ارزشمند به نظم و نثر فارسی و تربیت کننده بسیاری از شاعران آن دوره است. وی از مشاهیر مشایخ صوفیه و از برجسته ترین مبلغان دین اسلام در شبه قاره و شاعر پارسی گوی، وی از مستغرقان بحر توحید و قوی الاعمال و شاکر الاحوال سرشار جام تغرید بود. (احمد علی ۱۹۶۵، ۱۷۱)

تاریخ گواهی می دهد که سرزمین پاک و هند برای ایده های عرفانی بسیار حاصل خیز بوده است و از ابتدا سریال دوره و مریدی ادامه داشته است. در مقابل، صحیح تر است که بگویم کار تبلیغ اسلام در این منطقه به طور موقت کار مقدسین و صوفیان است. (غلامی ۲۰۱۵، ۱۸۲)

مولانا شبلی نعمانی رحمه الله در سوانح مولانا روم می نویسد که شاه بوعلی قلندر رحمه الله، معروف پانی پت، تا روزی از مولای روم بهره مند بوده است. (شبلی نعمانی ۱۹۵۹، ۳۴)

### نام و نسب بوعلی قلندر رحمه الله پانی پتی:

نام وی شیخ شرف الدین و لقب قلندر بود. (شبلی ۲۰۰۶، ۵) او در مرد عام و خواص نام بوعلی قلندر رحمه الله معروف است و او را عاشق الهی، بخشش هند، قتال و جز آن ذکر کرده اند. (صلاح الدین ۱۹۷۲، ۳۹) نام وی شیخ شرف الدین فرزند سالار فخر الدین فرزند سالار حسن فرزند سالار عزیز پانی پتی است. (ربیعان ۱۳۸۰، ۹۲) خانواده وی از سادات عراق بودند. (تفهیمی و شمس ۱۳۸۴، ۲۱۰)

مادر وی بی بی حافظه جمال، خواهر شاه محمد کرمانی، از بزرگان صوفی است. وی یک برادر و دو خواهر داشت. نام برادر وی شیخ نظام الدین عراقی است. قلندر قوم محبوب است و رنگ و لعاب زیادی دارد. او شرعی است اعمال او از نظر ظاهری کمتر مشهود است، اعمال او صمیمی تر است.

(مصطفائی ۲۰۱۷، ۱۱۸)

**شجره نسب:**

نسب حضرت شرف الدین بوعلی قلندر به امام ابو حنیفه رحمه الله نعمان بن ثابت پایه گزار فقه حنفی ( ۱۵۰۰ ق ) می رسانند.

شجره نسب وی درج ذیل هستند:

حضرت شرف الدین بوعلی قلندر بن سالار فخر الدین بن سالار حسن بن سالار عزیز بن ابوبکر غازی بن فارس بن عبدالرحمن بن عبد الرحیم بن محمد بن وانگ بن امام ابو حنیفه رحمه الله. ( فقری ۲۰۱۳ ، ۲۵۸ ؛ سهروردی ۲۰۱۰ ، ۷ )

**تولد و زادگاه بوعلی قلندر رحمه الله :**

سالار فخر الدین در سال ۶۰۰ ق از کرمان به پانی پت رفت، ابوعلی در همانجا بخ دنیا آمد. برخی ولادت وی در حدود ۶۰۲ تا ۶۰۵ ق ذکر کرده اند. ( حسین ۱۹۴۹ ، ۲۵۶ ؛ تفهیمی و شمس ۱۳۸۴ ، ۲۱۰ ) وی در سال ۶۰۵ هجری در پانی پت به دنیا آمد. ( نیاز احمد سن ، ۲۶۵ ) حضرت بوعلی قلندر رحمه الله یک صد و بیست و دو سال است و در این سن شما چهار شرط دارید.

اول: در حالت جوانی

دوم: در فتواها و کتاب

سوم: در دنیای سرگرمی و جلال

چهارم: سکوت و سکوت وجود دارد. ( حمید الدین ۱۳۲۲ ، ۴۱ )

**تحصیلات بوعلی قلندر رحمه الله و استادان وی:**

وی تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود فراگرفت و نزد مولانا سراج الدین مکی رحمه الله قرآن را حفظ کرد. سپس به دهلی رفت و در محضر علمای معروف آنجا چون شیخ شهاب الدین، نجم الدین دمشقی، معین الدین عمرانی، رکن الدین سامانی و دیگران دانشهای متداول را گرفت. ( نوشاهی ۱۳۷۳ ، ۵۴ ) به ویژه شیخ جلال الدین کبیر الاولیاء رحمه الله که از او آن کودکی تحت تعلیم و تربیت شیخ قرار گرفت.

مولانا سراج الدین مکی رحمه الله استادان عاشق الهی بود و آن روز عمر این درویش چهل سال بود. در مینار دهلی سکونت کرد و آنچه مطلوب بود از خدا تعالی

خواست. ( محمد اقبال ۱۳۱، ۱۹۹۶ ) وی از حضرت خواجه قطب الدین بختیار کاکی رحمه الله آموزش معنوی گرفت. ( سعید ۱۹۸۵ ، ۴۲۳ )

گر بوعلی نوائی قلندر نواختی

صوفی بدی هر آنکه در عالم قلندر است

یعنی اگر بوعلی قلندر رحمه الله آواز نمی خواند ، بنابر این جایی که همه قلندر ها صوفی هستند ، هیچ قلندری وجود نخواهد داشت. ( چشتی ۲۰۰۴ ، ۱۵ )  
آنها دسترسی کامل به زبان های عربی و فارسی داشتند. آنها بدون تردید از آیات قرآن ، احادیث ، متون و فنون عربی استفاده می کنند. در زیر برخی از اشعار فارسی در تسلط به زبان عربی قلندر صاحب آمده است.

داد می چرا به قامت زیبائش روی خوب

گردیدنش گناه بود ، ای غافر الذنوب

گر عیب من همین که شدم مبتلای عشق

خواهم فزون کند عیوباً علی العیوب

آن گوهرم ز بحر جلال قلندری

کس جوهری نبود مگر عالم الغیوب

( قلندر ۱۳۲۲ ، ۶۰ )

به غیر از عربی و فارسی زبان هندی را نیز یاد گرفتید .

### سلسله درس و تدریس:

حدود دوازده سال ( به روایتی دیگر ، بیست سال ) در جوار قطب منار در مسجد قوه الاسلام دهلی به تدریس و ارشاد پرداخت و گفته اند که از برکت وجود او ، مردم هند وی پانی پت همگی مسلمان شدند. ( ربیعان ۹۱ ، ۱۳۸۰ )

اولین بنای یاد بود در دهلی در سال ۱۱۹۳ م توسط مسجد قوه الاسلام لال کوت آغاز شد. دارای نقاشی به سبک هندو است. در سال ۱۲۳۰ م ، سلطان التمش مسجد را به قوه الاسلام گسترش داد. ( محمود ۲۰۰۵ ، ۱۲۹۰ )

به خاطر جایگاه و فضیلت شان خود احترام می گذاشتند. آنها به زبان های عربی و فارسی در دسترس هستند و از آیات قرآنی و احادیث استفاده می کنند. درویش و دانشمندان بر جسته دهلی گرد هم آمدند و به این درویش بوعلی قلندر رحمه الله گفتند که ما پیرترین شما هستیم. مولانا وجیه الدین پاتلی رحمه الله مولانا ظهیر الدین بخاری رحمه الله، مولانا صدر الدین رحمه الله، مولانا فخر الدین ناقله رحمه الله، مولانا شریعت الدین ترکی رحمه الله، مولانا معین الدین دولت آبادی رحمه الله، مولانا نجم الدین سمرقندی رحمه الله، مولانا قطب الدین مکی رحمه الله، مولانا احمد بخاری رحمه الله و دیگر دانشمندان فتوای ضروری را دادند و بیست سال به عنوان مفتی کار کردم. (صلاح الدین ۱۹۷۲، ۴۵، ۴۶).

### القاب:

نام مستعار های زیر محبوب هستند.

۱. بوعلی
۲. عاشق الهی
۳. قتال
۴. بخشی هند
۵. قلندریه نعمت (حمید الدین ۱۳۲۲، ۲۵)

### نسبت ارادت و بیعت بوعلی قلندر رحمه الله:

نسبت ارادت او به یکی از این مشایخ مشهور نیست. بعضی گویند که به خواجه قطب الدین بختیار کاکی رحمه الله ارادت داشت. بعضی گویند که به شیخ نظام الدین اولیاء رحمه الله و هیچ یکی از این دو نقل به صحت نرسیده است. (دهلوی ۲۵۵، ۱۳۸۳) وی خواجه قطب الدین بختیار کاکی رحمه الله بود و در میان مقدسین باشکوه هند شمرده شد. (انجم ۲۰۰۵، ۳۵۵؛ زاهد ۲۰۱۰، ۴۶۳؛ Abbas Athar 1975, 305)

بوعلی سر سلسله شاخه قلندر شاهی طریقه چشتیه بود. وی بسیار به ریاضت می پرداخت. گفته اند که در حال جذبه، همه کتاب های خود را به آب انداخت. ابوعلی به سبب گرایش به عرفان، کار وعظ و تدریس را رها کرد و به سیاحت پرداخت. برخی از منابع

به ملاقات او با شمس تبریزی و مولوی اشاره کرده اند. (ربیعان ۱۳۸۰، ۹۱) علاوه بر این ، زنجیره بیعت شما به حضرت علی رضی الله عنه می رسد.

بهر دین دل کند از دنیا علی رضی الله عنه

آن علی رضی الله عنه شد والی ملک نبی صلی الله علیه و آله

آن وصی مصطفی شیر خدا

آن علی رضی الله عنه زوج بتول پا رسا

(قلندر ۱۹۵۲، ۱۵۰۶)

از روش فوق الذکر شجره به نظر می رسد که حرفه شیخ شرف الدین بوعلی قلندر رحمه الله چشتی بوده است. (حسیب القادری. ۳۱۰، سن ن)

### اخلاص و عشق با دوستان:

وقتی حضرت شمس الدین رحمه الله به پانی پت آمد ، یک فنجان شیر برای خدمتگارش شیخ بوعلی قلندر رحمه الله فرستاد. شیخ بوعلی قلندر رحمه الله خادم را لبخند زد. چند گل در مقابل آن ها دراز کشیده بود ، گلبرگهایشان را در شیر قرار داده و آنها را به شمس الدین ترک رحمه الله باز می گرداند. آن ها از دیدن برگهای موجود در جام خوشحال بودند. این بدان معنی است که آنها هیچ ارتباطی با کشور من ندارند. بنابراین ، این روح اخلاص و عشق تا آخر در هر دو آنها باقی ماند. شیخ جلال الدین محمود پانی پتی رحمه الله شیخ بوعلی قلندر رحمه الله قدم در راه گذاشت. روزی بوعلی قلندر رحمه الله نشست به ، در کودکی جلال الدین سوار بر اسب شد. بوعلی قلندر رحمه الله با دیدن آنها گفت: ” زهی اسب و زهی سوار “ با شنیدن صدا در گوش او جلال الدین رحمه الله مست شد. حضرت جلال الدین رحمه الله عاشق بوعلی قلندر رحمه الله بود و خیلی به آنها احترام گذاشت. (زاهد ۲۰۱۰، ۴۶۱)

از ارادتمندان و دوستداران ابوعلی بسیاری از بزرگان عرفان و علم و ادب در سده های ۷ ، ۸ ق، از جمله شیخ عثمان مروندی معروف به لعل شهباز قلندر رحمه الله (وفات ۶۷۲ ق)، امیر خسرو دهلوی رحمه الله (وفات ۷۲۵ ق) و شیخ جلال الدین کبیرالاولیاء رحمه الله پانی پت بودند.

### مسافرت های بو علی قلندر رحمه الله:

مدتی در مدرسه ها و مسجد های دهلی به تدریس و ارشاد پرداخت تا اینکه در نتیجه سیر و سلوک و ریاضتهای سخت تغییر احوال یافت، تدریس را ترک کرد و کتاب ها را در آب انداخت و به سیر در آفاق و سفر در بلاد عرب و عجم پرداخت. گفته اند که وی در روم با شمس تبریزی رحمه الله و جلال الدین محمد مولوی رحمه الله ملاقات کرد. ظاهراً سفر وی پیش از ۶۴۵ ق انجام گرفته است، زیرا شمس تبریزی در آن سال کشته شده است. (نوشاهی ۱۳۷۳، ۵۲) مولانا شمس تبریزی رحمه الله و مولانا جلال الدین رومی رحمه الله و دستار و کتب علمی را به من عطا می کنند. در مقابل این دو آقا، من تمام این کتابها را به رودخانه انداختم. سپس وی به پانی پت باز گشت و عزلت اختیار کرد. (ابوالفضل ۳۳۴، ۲۰۰۰)

در عشق به الهی نیز باید از دستورات حضرت محمد صلی الله علیه و آله منع شوید. با این حال، وی سختگیری و خویشتن داری بزرگی را انجام می داد. (نورالحسن ۲۰۰۲، ۱۶۹)

### مردان بو علی قلندر رحمه الله:

۱. مبارک خان
  ۲. اختیارالدین
  ۳. شیخ احمد و جزآن (کهوکه ۲۰۰۰، ۱۳۶)
- ارادت آنها به حضرت بو علی قلندر رحمه الله مانند شعر است.
- مشتی را بهای روی تو نیست  
من بدین مفلسی خریدارم
- (بدخشانی ۲۰۰۴، ۱۰۳۵)

### تبلیغ و هدایت:

کار نشر اسلام در شبه قاره هند اوج کار مقدسین و صوفیان است. حضرت داتا گنج بخش رحمه الله، حضرت خواجه معین الدین چشتی رحمه الله، حضرت بابا فرید الدین گنج شکر رحمه الله، حضرت خواجه بهاء الدین زکریا سهروردی رحمه الله، حضرت خواجه نظام الدین اولیاء رحمه الله، حضرت خواجه صابر کلیری رحمه الله، حضرت شیخ احمد

سرهندي رحمه الله ، مجدد الف ثانی رحمه الله ، حضرت میان میر صاحب رحمه الله و علی المرتبه از دیگر بزرگان شامل حضرت بو علی قلندر رحمه الله هستند. وی وظیفه تدریس و یادگیری را بر عهده گرفت و با دانش خود بسیاری از افراد را اصلاح کرد. نه تنها مطالعات اسلامی از طریق شما ترویج شد ، بلکه بسیاری از افراد با تسلیم شما حق شرعی را پذیرفتند. سر توماس آرنولد بسیاری از راجپوت های هندو از پانی پت را به عنوان اسلام پذیرفته شده شما توصیف می کند. فقط سه صد نفر از آنها مرد بودند .

### حالت جذب و مستی:

ابو علی قلندر رحمه الله درویشی مجذوب بود و به سبب آزادی از قیود و تعلقات ، به قلندر شهرت یافته بود. گفته اند که وی سی سال طعام نخورد. موهای سر و روی او دراز شده بود و کسی جرأت نمی کرد. او را به کوتاه کردن آن وا دارد. مولانا ضیاء الدین سنّامی رحمه الله که در شریعت بسیار سخت گیر بود و یک بار شیخ نظام الدین اولیاء رحمه الله را به خاطر سماع سرزنش کرده بود. مقراضی برداشت و محاسن ابو علی را در دست گرفت و شوارب او را کوتاه کرد. ابو علی پس از آن همیشه محاسن خود را می بوسید و می گفت که این در راه شریعت محمدی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم گرفته شد. ( نوشاهی ۱۳۷۳ ، ۵۴ ؛ همدانی ۱۹۹۵ ، ۱۱۸ ) از آنجای که بدن شما در گیر یاد الهی از نعمت است. برخی گفتند ، متأسفانه ای ضیاء الدین الاغها را در قبر شما دزدیده و الاغ گمشده ها را در قبر شما دفن خواهید کرد. این بسیار مشهور است و در حال انجام است. ( حمید الدین ۱۳۲۲ ، ۱۵ )

### تعلق به سلاطین و صوفیاء:

نقل است چون امیر خسرو به حکم سلطان که همراه کرده بود به پایین علاء الدین خلجی به یادگار و نیازی پانی پت رسید. خادمان شیخ شرف الدین وی را از حال آمدن امیر خسرو و خبر کردند. اما به این طریق که خدمت امیر خسرو فرستاده مولانا نظام الدین اولیاء رحمه الله از شهر به دهلی خدمت شیخ آمده است ، اجازت حضور فرمودند. چون امیر خسرو رحمه الله به خدمت شیخ شرف الدین رحمه الله رسیدند به زبان هندی گفتند : خسرو هیبری گو تو را می گویند ؟ خدمت امیر کله بر زمین نهاد و گفت : بنده را به این لقب می

خوانند. خدمت شیخ شرف الدین رحمہ اللہ فرمودند : از آن ہیبری های خود چیزی بگوی  
در آن محل. امیر خسرو رحمہ اللہ این غزل خواند.

ای که گویی هیچ مشکل چون فراق یار نیست  
گر امید وصل باشد هم چنان دشوار نیست  
یک قدم بر نفس خود نه و آن دگر در کوی دوست  
هر چه بینی دوست را با این و با آن کار نیست  
چند گویندم برو ز ناز بند ای بت پرست  
برتن خسرو کدامی یک که آن ز ناز نیست

خدمت شیخ شرف الدین بعد از استماع این ابیات فرمودند : خسرو خوش می  
گویی و خوش خواهی بود و خوش خواهی رفت. از آن درویشان نیز بشنو! خدمت شیخ این  
ابیات از گفتار خود بر خوانند.

دہیم خسروان بر ما رحل استر است  
خسرو کسی کہ حلقہ تجرید بر سر است  
سیرغ وار روی نہفتم بہ قاف عشق  
کو عارفی کہ منظر او عرش اکبر است  
عقل کل است علم لدنی بہ عارفان  
این عقل و ہم حسی رسمی مختصر است

(قلندر ۱۹۳۳ ، ۶۵)

درس شرف نبود ز الواح ابجدی  
اوج جبال دوست مرا اورا برابر است

چنین ابیات، خدمت شیخ شرف الدین رحمہ اللہ پیش امیر خسرو رحمہ اللہ  
خوانند، خدمت امیر خسرو رحمہ اللہ بسیار گریست. درین محل شیخ شرف الدین رحمہ اللہ  
ہم بہ زبان ہندی این کلمات فرمود: ”آیہ روانہ ہنہ کنجہ بوجہنہ اہنہ“ یعنی این طور می  
گویی چیزی فہم می کنی؟ خدمت امیر گفت کہ من بندہ ہم از آن گریہ می کنم کہ چیزی نمی  
فہم. از این سخن خدمت شیخ شرف الدین رحمہ اللہ بہ غایت خوش وقت شدند. نعمتہا

وگرامتها به امیر خسرو رحمہ اللہ مبذول داشتند. خادمان شیخ به اشارت شیخ ما، چه روز به خانقاه برده. امیر خسرو رحمہ اللہ را مہمان داشتند. بو علی قلندر رحمہ اللہ را بطور اخلاص و عشق با نظام الدین اولیاء رحمہ اللہ و امیر خسرو رحمہ اللہ ہمیشہ باقی می ماند. (شبلی ۲۰۰۶، ۹۰۸) بعد از سیوم روز خدمت شیخ شرف الدین رحمہ اللہ امیر خسرو رحمہ اللہ را رخصت فرمودند و یادگاری برای شیخ الاسلام نظام الدین قدس سرہ. و برای سلطان علاء الدین فرستادند. به سلطان مکتوبی به این مضمون و عبارت در قلم آوردند. کہ علاء خلیج خوط و هیلی مقرر داند، کہ با بندگان خدای تعالی زندگانی نیکو کند. گویند چون نوشته بر سلطان علاء الدین رسید. بعضی از اہل غرض، برای در انداختن با سلطان گفتند کہ با پادشاہ و خلیفہ این چنین نوشتن، چون روا باشد؟ سلطان علاء الدین گفت کہ ای نادان! ہزار مرحمت بر من کرد کہ خوطی بر من مستقیم داشت. (دہلوی ۱۳۸۳، ۲۵۸)

حادثہ بزرگان مشہور سند حضرت لال شہباز قلندر رحمہ اللہ نیز بسیار عجیب است. نام خانوادگی لال شہباز قلندر رحمہ اللہ شیخ عثمان مروندی رحمہ اللہ است. برخی اش مورخان اظہار دادند کہ حرفہ حضرت شیخ عثمان قلندر رحمہ اللہ بہ اصطلاح قلندر بودہ است. در این راستا، این سنت نیز شناختہ می شود کہ شما یک بار در خدمت حضرت بو علی شاہ قلندر رحمہ اللہ شرکت کردہ اید. حضرت بو علی شاہ قلندر رحمہ اللہ یک صوفی عالی است کہ از طرف بزرگان جلیل القدر همچون حضرت نظام الدین اولیاء رحمہ اللہ بسیار مورد علاقہ او قرار گرفت. گزارش شدہ است کہ حضرت امیر خسرو رحمہ اللہ نیز برای دریافت نیاز از حضرت بو علی شاہ قلندر رحمہ اللہ نیز گاہ بہ گاہ در پانی پت حضور می یافت. وقتی شیخ عثمان مروندی المعروف لعل شہباز قلندر رحمہ اللہ میزبان رسمی پرداخت کرد. سپس لعل شہباز قلندر رحمہ اللہ گفت:

”سہ صد قلندر در ہند وجود دارد. شما بہ سند می روید.“ هیچ روایتی نمی تواند تأیید کند کہ وی در سہ صد قلندر چگونہ بود؟ اگرچہ ہند نیز جزئی از ہندوستان بود، اما در یک زمان شبہ قارہ بہ دو بخش تقسیم می شد. یکی ہندی و دیگری سند. مطابق دستور العمل ہای حضرت بو علی شاہ قلندر رحمہ اللہ، حضرت لعل شہباز قلندر رحمہ اللہ بہ سند سفر می کند. (خان آصف ۲۰۱۰، ۳۷۹)

### عقیدت و ارادت سلاطین:

دولتمردان و سلاطین نیز به شیخ احترام می گذاردند. از پادشاهان دهلی، علاء الدین محمد خلجی و غیاث الدین تغلق به ابو علی ارادت داشتند.

یک بار یکی از عمال خلجی، درویش از نزدیکان ابو علی را رنجانیده بود. درویش به ابو علی رحمه الله تظلم کرد. ابو علی رحمه الله رقعہ ای به علاء الدین نوشت و به وی هشدار که ”اگر او ( عامل ) را به سزا رسانیدی بهتر، والا به جای توخواجۀ دیگری در دهلی نشانده خواهد شد.“ اقبال لاهوری که این واقعه را در یکی از مثنوی های خود باز گو کرده، هشدار ابو علی رحمه الله را به شاه خلجی نمونۀ محکمٰی از ”خودی“ دانسته است. امیر خسرو دهلوی رحمه الله نیز از جانب شاه خلجی به خدمت ابو علی رسیده بود. علامه محمد اقبال لاهوری رحمه الله در اسرار خودی این واقعه را سروده است.

با تو میگویم حدیث بو علی رحمه الله  
در سواد هند نام او جلی  
کوچک ابدالش سوی بازار رفت  
از شراب بو علی رحمه الله سرشار رفت  
عامل آن شهر می آمد سوار  
همرکاب او غلام و چویدار  
پیشرو زد بانگ ای ناهوشمند  
بر جلو داران عامل ره میند رفت  
چویدار از جام استکبار مست  
برسردرویش چوب خود شکست  
از ره عامل فقیر آزرده رفت  
دلگران و ناخوش و افسرده رفت  
در حضور بوعلی رحمه الله فریاد کرد  
اشک از زندان چشم آزاد کرد  
باز گیر این عامل بد گوهری

ورنه بخشم ملک تو با دیگری  
 نامه آن بنده حق دستگاه  
 لرزه ها انداخت در اندام شاه  
 بهر عامل حلقه زنجیر جست  
 از قلندر عفو این تقصیر جست

( محمد اقبال ۱۹۴۰ ، ۲۷۲۹ )

### وفات و مدفن:

ابو علی قلندر رحمه الله سالهای آخر عمر خویش را در بوده کپیره از توابع کرنال واقع در ایالت پنجاب هند. وی در سال ۷۲۴ هـ ( ۱۳۲۴ ع ) همانجا وفات یافت و در کرنال مدفون شد. اما بعدها مریدان اخلاف او پیکرش را از کرنال به پانی پت انتقال دادند و در محل کنونی به خاک سپردند. معتقدان بدو هر دو مدفن او را گرامی می دارند و بر مزارش مراسم عرس برپا می کنند. ( تفهیمی و شمس ۱۳۸۴ ، ۲۱۱ ؛ شبلی ۲۰۰۶ ، ۱۰ )  
 ماده تاریخ وفات او ”یا شرف الدین ابدال“ است. ( ربیعان ۱۳۸۰ ، ۹۱ ؛ عبدالرحمن ۱۹۸۷ ، ۲۹۴ )

در کنار این دوجا، دو آرامگاه دیگر نیز در بدها کپیره و باگهوتی منسوب به او است. ( ربیعان ۱۳۸۰ ، ۹۱ ) پس از مرگ وی ، بوعلی قلندر رحمه الله در کرنال به خاک سپرده شد ، اما همچنین گفته می شود که بستگان مخفیانه یک شب نعش مبارک را در پانی پت دفن کردند. بنابراین پیروان شا هنوز در کرنال ، پانی پت و بدها کپیره شلوغ هستند. ( محمود ۲۰۰۵ ، ۴۳۳ )

### آثار بو علی قلندر رحمه الله:

حضرت شرف الدین بو علی قلندر رحمه الله یکی از شاعران بزرگ فارسی در شبه قاره محسوب می شود که در قرن هفتم و هشتم هجری می زیسته اند. بو علی قلندر رحمه الله شاهد آخرین سالهای حکومت خلجیان در هند بوده است. این دوره با وجود هرج و مرج سیاسی و اجتماعی، از لحاظ نظم و نثر فارسی دوره پر رونق بود و تعداد زیادی از شاعران و نویسندگان در این دوره می زیستند. شیوه سخن این دوره سبک عراقی بود..

**آثار منظوم:**

در اشعار بوعلی قلندر رحمه الله ، شرف ، قلندر و بوعلی استفاده کرده است.  
وی سالخورده و مردی قد بلند بود. (ریاض ۱۹۷۷، ۱۶۸)  
آثار منظوم وی به شرح زیر است:

**دیوان :**

شامل قصاید، غزلیات و رباعیات است..

**غزلیات:**

در نسخه چاپ حیدرآباد ۵۵ غزل و در نسخه چاپ تهران ۸۹ غزل آمده است.  
اما با اطمینان نمی توان گفت که تمامی غزل ها سروده او باشد، زیرا در برخی از آن ها تقلید  
از شعر حافظ دیده می شود. نسخه ای خطی از دیوان وی موزه بریتانیا موجود است. محمد  
شاه دین قریشی قادری سروری ۸۶ غزل او را به نظم پنجابی ترجمه کرده که در ۱۹۶۱م در  
لاهور به چاپ رسیده است. عطا محمد عطا نظامی و شیخ حبیب الله مظهر نظامی مشترکاً  
شرحی بر غزلیات او به اردو نوشته اند که با عنوان مفتاح الغیب در ۱۳۵۱ ق در  
سیالکوٹ پاکستان منتشر شده است. (عطا محمد و مظهر نظامی ۱۹۳۳، ۳۲۱)

**رباعیات:**

در نسخه چاپ تهران ۱۴ رباعی آمده است. علاوه بر آن برخی رباعیات دیگر از  
او در تذکره های شعراء ضبط شده است. عبدالغفور قادری نقشبندی رباعیات او را با  
عنوان نعره قلندر به نظم اردو و پنجابی برگردانده که در لاهور چاپ شده است.

**مثنویات:**

سه مثنوی کوتاه به ابوعلی منسوب است که هر سه چاپ شده است. معروف  
ترین آن ها گل و بلبل است که تقلیدی از مثنوی مولوی است و در آن به برخی از ابیات  
مثنوی و آثار عطار استناد شده است. (نوشاهی ۱۳۷۳، ۵۴)  
شامل سه مثنوی که به مثنوی بوعلی قلندر رحمه الله شهرت دارد و چاپ شده  
است.

**(الف) مثنوی گل و بلبل:**

این مثنوی در ۳۵۴ بیت، مشهورترین این سه مثنوی است که به عشقیه و مثنوی شاه بوعلی قلندر رحمه الله نیز شهرت یافته است. این مثنوی مضمونی عرفانی، اخلاقی و شاعر در آن به موضوع حکمت عارفان، عشق، ایمان تقلیدی، حال ظاهر و باطن استدلالیان، تمثیل، احوال جهان، حکایات، بیان عامیان و خاصان، سوال و جواب از شبلی، سوال حکیم و جواب حکیم فلسفی و بیان علم الیقین و عین الیقین و حق الیقین پرداخته است.

**(ب) مثنوی بوعلی قلندر رحمه الله:**

در این مثنوی نیز مضامین عرفانی در قالب حکایت مجموعاً در ۲۵۷ بیت بیان شده است. این مثنوی در میرته به کوشش حکیم بر نرائن در ۱۸۹۰م به چاپ رسیده است.

**(ج) مثنوی بوعلی قلندر رحمه الله:**

این مثنوی نخست در کانپور ۱۸۷۱م به چاپ رسید و پس از آن بارها منتشر شد. از آن دو ترجمه یکی به زبان اردو و دیگری به زبان پنجابی صورت گرفته است. ترجمه اردو که به نظم واز مترجمی نا شناس است با عنوان کنزالاسرار در دهلی در ۱۳۲۶ ق به چاپ رسیده است. ترجمه پنجابی نیز به نظم و از سروده های مولوی محمد شاه دین قادری رحمه الله سروده است. این ترجمه در لاهور در ۱۳۷۷ ق به طبع رسید.

**آثار منشور بوعلی قلندر رحمه الله:**

حضرت بوعلی قلندر رحمه الله با استفاده از دانش خدادادی، عرفان، آگاهی سیاسی و اجتماعی و اخلاص و صداقت، تدوین خود را ادامه داد و عقاید خود را نه تنها برای زمان خود بلکه برای نسل های بعد نوشت. هزاران نفر توسط نوشته های دینی و ادبیات شما راهنمایی شده اند. نامه های فارسی شما در مجموعه شما از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. به ابوعلی قلندر آثار منشور بسیاری نسبت داده اند. اما از آن میان ظاهراً فقط مکتوبات از آن اوست. این اثر منشور آمیخته به نظم، نامه های عرفانی و اخلاقی شیخ به مریدان خویش است و بسیاری از این نامه ها خطاب به مریدش اختیارالدین نگاشته شده

است. از این اثر نسخه های در مجموعه شیرانی در دانشگاه پنجاب لاهور و دانشگاه اسلامیہ علیگرہ موجود است.

دیگر آثار منسوب ابو علی عبارت اند از رسالہ سرالعشق، رسالہ سلوک، رسالہ عشقیہ، رسالہ اسرار العاشقین، رسالہ حقایق کلمئہ طیبہ و رسالہ حکم نامہ بیان کردہ است. (تفہیمی و شمس ۱۳۸۴، ۲۱۲)

**شرح سہ نوشتہ مہم حضرت بو علی قلندر رحمہ اللہ است ، آنچه در زیر آمدہ است:**

۱. نسخہ لاهور : مجموعہ شیرانی دانشگاه پنجاب لاهور . (تفہیمی و شمس ۱۳۸۴، ۲۱۲)
  ۲. نسخہ اسلام آباد : نسخہ کتابخانہ گنج بخش اسلام آباد . (منزوی ۱۹۹۰، ۱۹۸۱)
  ۳. نسخہ علی گرہ : نسخہ دانشگاه اسلامیہ علی گرہ . (تفہیمی و شمس ۱۳۸۴، ۲۱۲)
- ہمہ مکتوبات حضرت بو علی قلندر رحمہ اللہ بہ نام اختیارالدین نوشتہ شدہ است. (نوشاہی ۱۳۹۰، ۵۳۰) تقریباً ہمہ نامہ ہا ”بسم اللہ الرحمن الرحیم“ و ”برادرم اختیارالدین بداند“ شروع می شود.

### **مضامین مکتوبات:**

اورا مکتوب است بہ زبان عشق و محبت مشتمل بر:

۱. معارف و حقایق توحید
۲. ترک دنیا
۳. طلب آخرت
۴. محبت مولی

جملہ آن بہ نام اختیارالدین می گویند و رسالہ ای دیگر در عوام الناس شہرت دارد کہ اورا حکم نامہ شیخ شرف الدین رحمہ اللہ می گویند. ظاہر آن است کہ آن از مخترعات عوام است. (دہلوی ۱۳۸۲، ۴۵۵)

دربارہ مکتوبات او مولانا عبدالحق محدث دہلوی رحمہ اللہ می گوید: ”اورا مکتوب است بہ زبان عشق و محبت مشتمل بر معارف و حقایق توحید و ترک دنیا و طلب آخرت و محبت مولی جملہ بہ نام اختیارالدین می گوید.“

در خزینه الاصفیاء: ” مکتوبات وی که به نام اختیارالدین مرید خود تحریر کرده است، کتابی است جامع علوم توحید. “ (عبدالرحمن، ۲۹۵، ۱۹۸۷)

### نمونه های مکتوب:

ای برادر! معشوق را هم به صورت تو آفریده اند و میان شما فرستاده اند تا دعوت کند به راه راست.

ای برادر! باری عزوجل بهشت و دوزخ آفرید و حکم بر آن کرد که هر دو را پر خواهم کرد. معشوق را با عاشقان او در بهشت خواهم آورد و شیطان را با پیروان او در دوزخ خواهم انداخت.

### خوارق حضرت شرف الدین بوعلی قلندر رحمه الله:

در زیر برخی از معجزات و خوارق ها بسیار زیاد حضرت بوعلی قلندر رحمه الله آمده است که برخی از آن ها به شرح زیر است:

### مادر زاد ولی:

وقتی بوعلی قلندر رحمه الله به دنیا آمد، دائم گریه می کرد و شیر نمی نوشید. در همین حال جمال شاه قلندر رحمه الله فداکار کودک را در امان خود بزرگ کرد و گوساله ای را که در جهنم دارید بخورید. پس چشمان خود را باز کنید و گریه نکنید. پس از آن درویش مقداری قرآنی ( فاینا تولو فثم وجه الله ) را پیاد در گوش کودک قرارداد و خیلی دیر خواب بود. کودک این گریه را متوقف کرد و شروع به شیر دادن کرد. ( حمید الدین ۱۳۲۲، ۴؛ 14, 1439 Abdul Hafeez )

درویش در ادامه افزود: این کودک یک شخص عادی نیست. این قلندر است. او روح بزرگی است. بنابراین او ایده خاصی از آموزش و آموزش دارد. کودک به متولد شدن مادر زاد ولی است.

روایت شده است که حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در شب معراج در اوج فردوس اعلی گذشت، در آنجا او یک فیل مست را دید که به رنگ قرمز می رقصید. از جبریل علیه السلام پرسید راز خدا چیست ؟ جبریل علیه السلام در پاسخ گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله ، این فیل

مست است شرف الدین، عاشق الهی است. پیامبر صلی الله علیه و آله شاد و شاد شد و خدا را شکر کرد و فرمود: ” همه ستایش ها به خاطر خداوند، پروردگار جهانیان است. در امت من چنین افرادی وجود دارند.“

بوعلی قلندر رحمه الله چنان وضعیتی داشت که اگر کسی از کنار او بگذرد و او را از نگاه جلال ببیند، او یک نگهبان کامل می شود و کسانی که از نگاه جلال به او نگاه می کردند، گرد و غبار می شوند. داستان کوتاه این است که شخصی که به طور مستقیم از شخصی مانند حضرت علی رضی الله عنه در مقام کمال و معجزات و قدرت درونی نعمت داشته باشد، از درجه و درجه بسیار بالای برخوردار خواهد بود. (حمیدالدین ۱۳۲۲، ۷)

### تأیید ولایت حضرت نظام الدین اولیاء رحمه الله:

یکی از موارد عجیب در تذکره ها ذکر شده است که بابا فرید گنج شکر رحمه الله پس از عطای خلیفه به نظام الدین اولیاء رحمه الله، یادداشتی را نوشت و آن را برای بوعلی قلندر رحمه الله فرستاد تا برای تأیید ولایت به بوعلی قلندر رحمه الله برود. بنابراین به همین دلیل نظام الدین اولیاء رحمه الله به بوعلی می رود. کسانی که در آن زمان مشغول ریاضت بودند. نظام الدین اولیاء رحمه الله روی در را کوبید و پرسید که کیست؟ نظر شما بابا فرید گنج شکر رحمه الله برای شما آورده ام. دست بوعلی قلندر رحمه الله کمی در را باز کرد و دست خود را بیرون کشید تا یادداشت کند. دست بوعلی قلندر رحمه الله با دست زن دیگری بیرون آمد. عکس گرفتی به او نگاهی انداخت. نظام الدین اولیاء رحمه الله در قلبش فکر کرد که چه نوع قلندر است که حتی یک زن را در درویش نشسته بود. ایده این بود که تمام ولایت ها ذبح می شوند و نظام الدین اولیاء رحمه الله نیز دست خالی باقی می ماند. قلندر صاحب رحمه الله در پشت رقعہ نوشت که هنوز صلاحیت این صلاحیت این ولایت را ندارد.

وی نگارش این متن، آن را به رقعہ نظام الدین اولیاء رحمه الله دی بازگشت و گفت که دست دیگر خواهر من بود. بنابراین نظام الدین رحمه الله در حال گریه بابا فرید رحمه الله بود و حقیقت را به او گفت.

بابا فرید گنج شکر رحمہ اللہ گفت کہ فی تواند بہ ولایت ذبح شدہ قلندر رحمہ اللہ باز گردد. پس امیر خسرو رحمہ اللہ بہ عنوان توصیه ارسال شد. امیر خسرو رحمہ اللہ با دوستش افغانی ملاقات کرد و خواستگار باز گشت بہ ولایت شد. بہ توصیه پسری افغانی، حضرت نظام الدین اولیاء رحمہ اللہ ولایت ذبح شدہ را پس گرفت. ( زاهد ۲۰۱۰، ۴۶۷)

### تور ہفت آسمان:

بو علی قلندر رحمہ اللہ ظاہر و باطن ہمزمان با سرعت و حتی با سرعتی بیشتر وارد مسافتہا می شدند، غالباً می نشستند و چشمان خود را می بستند و بہ دنیایی می رسیدند کہ چیزی جز نور نبود. روزی ناگہان صدایی را در ہمان عالم شنید کہ شرف الدین! دنیای نور یک پیچ و خم است. چہ مدت می خواهید در اینجا سرگردان شوید، دست کسی را بگیرید و از فراموشی خلاص شوید.

او چشمان خود را با تعجب باز کرد و مدتی نماز خواند تا اینکه در سجدہ افتاد. سپس جادوگر بہ دلیل بروی آن ہا روشن شد. در حالت خواب او فریادی شنید، شرف الدین! تحت آتش قرار گرفت. تحت آتش قرار گرفت. با آن صدای احساس می کردند کہ در ابتدا پرواز بہ سمت آسمان است. بدن او بسیار آرام و سبک بود. وقتی برای اولین بار بہ آسمان رسید، نور تابشی خواجہ نظام الدین اولیاء رحمہ اللہ را دید. او درگیر عبادت بود. بہ ہمین ترتیب، بو علی قلندر رحمہ اللہ خواجہ نظام الدین اولیاء رحمہ اللہ را در ہفت آسمان دید. در روز ہشتم سرگرمی آن ہا مسافرت کرد. اما پس از بہ ہفتم، هیچ آسمان باقی نماند کہ آن ہا از بالای آسمان خم شوند. شما با اشتیاق از سی ہزار حجاب تاریک عبور کردید. اما شما نتوانستید از بیست ہزار حجاب بعدی عبور کنید و صدائی شنیدید: ”این سفر تاریکی نیست بلکہ یک سفر نور است. شما بہ تنہائی بہ تاریکی سفر کردہ اید، اما نمی توانید تنہا سفر کنید. در آن زمان، او احساس کرد کہ در حال پلین آمدن است. چشم او از ترس باز شد. آن ہا بہ مسجد سجدہ می کرد. جامناز خیس بود و شرف الدین گریہ می کرد.“

او ہنگام تعظیم سجدہ در خانہ اش بود. پس از آن خواجہ نظام الدین اولیاء رحمہ اللہ بہ صومعہ رسید. خواجہ لبخندی زد و از او پرسید کہ چگونہ شرف الدین آمد؟ او گفت، خواجہ، شما از من می پرسید. شما هدف از آمدن من را بیشتر از آنچه می دانید. بلہ و

ما همچنین می دانیم که شما هفته ای در تور افلاک برگزار می کنید. اکنون از ما چه نیاز دارید ؟ سپس به دستور خواجه ، شرف الدین پنج سال در کنار جمنا ماند و او حرکت نکرد. سپس روزی خواجه به آنجا آمد و تنش را در ستون شرف الدین ایجاد کرد و گفت : ”سرت را بیاور“. شرف الدین سر خود را تعظیم کرد. خواجه کلاه خود را به دسته بیمار پوشید. مدتی بعد شرف الدین اعلام شد و رودخانه عشق او آرام شروع به جریان کرد. ( سهروردی ۲۰۱۰ ، ۳۳۳۵ )

### حیوانات وحشی و بوعلی قلندر رحمه الله:

وقتی حضرت شیخ جلال الدین رحمه الله حضرت شرف الدین بوعلی قلندر رحمه الله به ملاقات رفت ، یک شیر وحشتناک را در راه دید و گفت: ای شیر ، این مکان عاشقان الهی است ، کار شما در اینجا چیست ؟ شیر با شنیدن این حرف به صحن حضرت بوعلی قلندر رحمه الله رفت. شیخ جلال الدین رحمه الله عقب شیر را به سمت حضرت دنبال کرد. با نگاهی به عقب می بینم که چهار شیر دیگر نیز به سمت صحن حضرت حرکت می کردند. در این میان خود حضرت بوعلی قلندر رحمه الله آمد و گفت: ” شما یکی از افراد مخفی ما هستید و بیاید عینک شیر را به شما نشان دهم. شیر قدم به جلو گذاشت و پاهای مخدوم جلال الدین رحمه الله را بوسید ، مثل گربه ها بازی کرد. مخدوم ناراحت بود. بوعلی قلندر رحمه الله پرسید که چه کسی می داند شیر پنجم کیست ؟ مخدوم با بی اعتدال گره خورد.“ بوعلی قلندر رحمه الله گفت : ”شیر پنجم ما هستیم.“ و حی تأثیر عمیقی بر مخدوم داشت. درخواست بیعت کرد. بوعلی قلندر رحمه الله گفت : ” سهم شما با دیگران است. منتظر آن باشید.“ مخدوم پس از عزیمت با شیخ شمس الدین ترک پانی پتی بیعت کرد. ( سهروردی ۲۰۰۳ ، ۴۱۲ )

### حادثه تولد فرزندان:

روزی زنان به بوعلی قلندر رحمه الله آمد و برای پسرش دعا کرد. با دعای شما زنان از فرزندان برتر شدند. پس از آن همه زن ها رفتند و خداوند سخنان بر زبان شما را بر آورده کرد ، یعنی خداوند فرزندی به او داد. ( فقری ۲۰۱۳ ، ۴۲۸ ).

شیخ احمد یحیی سهروردی پسری می خواست. در خدمت بوعلی قلندر رحمه الله در پانی پت شرکت کرد. وقتی قلندر صاحب از مقاصد شیخ آگاه شد، او را صدا کرد و گفت: ”برادر احمد، شما مقدر نیستید که پسر شوید، بلکه پشت خود را به پشت من مالش دهید.“ پسر من آن را به شما دهید. بنا به درخواست شما شیخ پشت خود را به پشت خود مالید. در آن زمان او را به شهر بهار فرستاد و به او توصیه کرد که هنگام تولد از وی نام او را ببرد. امادر راه آگره، زنی در جستجوی این مروارید زیبا نشسته است. فرار از فریب آن. وقتی از کنار او گذشت، او از تو خواست که با او ازدواج کنی. او گفت: من وقتی به شهر می رسم قول شما را عملی خواهم کرد. ماجرا از این قرار است که وقتی شیخ احمد به شهر منیر رسید، طبق دستور العمل قلندر صاحب، این اعتماد را به همسرش واگذار کرد. او از پیشانی نور مبارک شیخ حرکت کرد و به پیشانی مخدوم رفت. صبح، شیخ حمام کرد و دوبار تشکر کرد. پس از آن پسری در خانه شیخ بدینا آمد و همان اسم را که قلندر صاحب گفته بود به او داد. سپس به زن زیبا گفت: ”بیا و با من ازدواج کن.“ زن زیبا امتناع کرد و گفت که پیشانی نوری که شما داشتید اکنون از بین رفته است.

گفته می شود که سلطان غیاث الدین محمد بلبن، پادشاهی در دهلی، پادشاهی ضبود که فرزندی نداشت و شما برای پسر دعا کردی و به او چهار پسر داد و او به سلطان گفت: ”پسری خوشحال را به خدمت این مرد فقیر بیاور.“ پادشاه پذیرفت. شاه مبارک خان پسر موعود است. (حمید الدین ۱۳۲۲، ۲۵.۲۶، ۲۳)

### طبیعت با شکوه بوعلی قلندر رحمه الله:

گاهی اوقات حضرت بوعلی قلندر رحمه الله چنین عادت به دست آوردن پرندۀ ای داشت که گرفتن یک پرندۀ را دشوار می کرد. در چنین مواقعی، هر چه نگاهشان به چشم می خورد، گرد و غبار می شوند. در مورد چنین آشنایان، عروس عروسی در نزدیکی آنها گذشت. سر و صدای کارتهای درام باعث شد تا حضرت بوعلی قلندر رحمه الله بسیار شدید باشد. نگاهی به برات انداختند و دیدند که ناگهان کل برات ناپدید می شود. در حالی که خانواده عروس در انتظار پخت و پز بودند، وقتی برات نرسید، آنها به طرف حضرت بوعلی شاه قلندر رحمه الله دویدند. وقتی بوعلی قلندر رحمه الله مردم را دید که در اطراف او

جمع شدند ، از آنها پرسید که چرا؟ پیر مردی جلو آمد ، دست های خود را در مقابل آنها جمع کرد و گفت: ”کله ما ناپدید شده است“. تسلیم شوید. حضرت فرمود: ”نگاه خداوند متعال و این فرد فقیر را بپذیر.“ او انگشت خود را به سمت آسمان بلند کرد و گفت که به دستور خداوند متعال به برات باز خواهد گشت. سه وعده غذایی را برای فقرا توزیع کنید. بعد از توزیع غذا ، بارات برگشت. مردم در این رویداد شگفت انگیز عنوان ”قتال“ را به شما دادند. (سهروردی ۲۰۱۰ ، ۴۲.۴۳)

### قبول اسلام امر سنگه:

هنگامی که حضرت بو علی شاه قلندر رحمه الله جوانی عجیب را با نام خود احضار کرد. ”امرسنگه“ مرد جوان شگفت شده شد. شما به او گفتید که ما نیز تفاوت های شمارا می دانیم. در نتیجه درگیری با خلجیان ، زنی به پدر و مادر خود در سهارنپور رسید و یک فرزند پسر دارد و شما در تلاش برای به دست آوردن اجداد خود به پانی پت افتاده اید. آیا این موارد اشتباه است؟ هیچ بابا! آن جوان پا به پای حضرت بو علی قلندر رحمه الله لمس کرد و شما حقایق واقعی را بیان کردید. شما افزودید که اگر رایحه حقیقت را به ما بچشید ، به حلقه ما بیایید و این پناهگاه را پیدا خواهید کرد. امرسنگه گفت: ”من باید از مادرم مجوز بگیرم.“ امر سنگه از مادرش اجازه گرفت و به خانه بازگشت تا به محلی که حضرت بو علی قلندر رحمه الله را ترک کرده بود. وقتی به آنجا رسید ، حضرت بو علی شاه قلندر رحمه الله منتظر او بود. او با خواندن کلمه ، امر سنگه را در آنجا مسلمان ساخت و آن را ”امرالله خان“ نام گذاری کرد. پس از توصیه شما ، خلجیان اموال و دارایی را به امرالله خان باز گردانده اند و او را نزد کسانی که در اجیر اجداد خود زندگی می کردند نگهداری می شد. مطابق پیشگویی حضرت بو علی شاه قلندر رحمه الله ، تمام خاستگاه های او نیز مسلمان شدند و آنها با او ازدواج کردند. پس از ازدواج ، سه پسر متولد شدند. شهاب خان، شهباز خان و دولت خان و سه فرزندشان اکنون در پانی پت زندگی می کنند. (سهروردی ۲۰۱۰ ، ۴۳.۴۵)

### سلطان علاء الدین خلجی:

وقتی بوعلی قلندر رحمه الله به تفریح و ورزش مشغول بود، مدتی در رودخانه می ماند و ماهی سرخ شده خود را می خورد. با خضر آشنا شد. او از نوادگان پانی پت بود. سلطان علاء الدین خلجی معجزات او را دید و پیرو او شد. (صادق ۲۰۱۰، ۴۶۳)

علاء الدین خلجی یک بار در خواب، حضرت بوعلی قلندر رحمه الله را شنید که می گفت: ”علاء الدین! با حاکمیت مسموم نشوید. تاج و تخت اقتدار پروردگار متعال است. با انسان به عنوان انسان رفتار کنید. از ممنوعیت شرع خودداری کنید. از استفاده از اشیاء ممنوع خودداری کنید و دستورات سختی را در این زمینه به نیروهای خود صادر کرد.“

این رویا روی علاء الدین تأثیر شگرفی گذاشت، او نه تنها از نوشیدن الکل خودداری کرد بلکه نوشیدن مشروبات الکلی را نیز در کشور ممنوع اعلام کرد و برای کسانی که این ممنوعیت را نقض می کنند مجازات های شدید تعیین کنید. (سهروردی ۲۰۱۰، ۴۷)

### دوره های سلاطین:

حضرت بوعلی قلندر رحمه الله دوره های بسیاری از پادشاهان مسلمان را در طول عمر طولانی خود می دید. روزی غیاث الدین تغلق با پسرش محمد تغلق و برادرزاده فیروز تغلق در خدمت وی حضور یافت و وقتی غذا شروع شد، هر سه شروع به خوردن در یک کاسه کردند. حضرت بوعلی رحمه الله این صحنه را دید و گفت: ”این سه پادشاه ابتدأً یک وعده غذایی می خوردند.“ این در آن زمان عجیب به نظر می رسید، اما بعداً پیش بینی های شما به حقیقت پیوست. پس از غیاث الدین تغلق، پسرش محمد تغلق جانشین تاج و تخت شد و سپس برادرش عمرزاد فیروز شاه تغلق پادشاه شد. آن ها از نظر پادشاهان امروز متفاوت بودند، آن ها به دنبال هدایت مقدسین بودند و پادشاه می گرفتند. (فقری ۲۰۱۳، ۲۸۰)

### آستانه بوعلی قلندر رحمه الله:

ناظران آستانه قلندر در پانی پت می گویند که در داخل و خارج از آستانه، موجودات متعال همیشه شلوغ هستند. در همه جا، شگفت زده می شویم. نعمت و همجواری ادامه دارد. حضرت سید محمد اسماعیل شاه کرمانوالی رحمه الله می گوید: ما وقتی از ایستگاه

قطار پیاده شدیم برای شرکت در ضیافت حضرت بوعلی قلندر رحمه الله حرکت کردیم و عجیبی ما را دنبال کرد. هر کجا که می رفتیم ، او می توانست در کنار ما بماند. شبی که استراحت کردیم ، صبح از خواب بیدار شد و دید. او در خارج از محل زندگی ما پیدا شد. ما توجه زیادی به آن نکردیم. وقتی برگشتیم به ایستگاه قطار ، او یک نقره طلا ارائه داد. ما رد کردیم و گفتیم که ما فقط برای حضور قلندر رحمه الله آمده ایم. چرا این را به ما می دهید ؟ بنابراین لبخند زد و گفت: این قلندر برای اجاره شما ارسال کرده است. حضرت می گوید: ”اگر آن نخت را بفروشیم ، همان مبلغی را می گیریم که برای اجاره هزینه کردیم. فقط منبع عطاء خود متعال است ، اما وقتی آنها به زبان خود اقبال رحمه الله صحبت می کنند ، مال آنها نیست.“ (طاهر لاهوری س ن ، ۴۵۶.۴۵۷)

### کتاب شناسی و منابع:

- ابوالفضل ، علامه، (۲۰۰۰م)، آئین اکبری ( ترجمه ، مولوی محمد فدا علی صاحب طالب ) ، لاهور، سنگ میل پبلیکیشنز۔
- احمد علی، مولوی، (۱۹۶۵م)، قصر عارفان، لاهور۔
- اقبال صلاح الدین، (۱۹۷۲م)، حضرت بوعلی قلندر، لاهور، سنگ میل پبلیکیشنز۔
- محمد اقبال، (۱۹۴۰م)، مثنوی اسرار و رموز، کشمیر، علامه اقبال لائبریری۔
- محمد اقبال، دکتر، (۱۹۹۴م)، فارسی ادب کے ارتقاء میں پانی پت کا حصہ، دهلی، دریا گنج۔
- بدخشانی، مقبول بیگ، (س-ن) فیروز اللغات، لاهور، فیروز سنز۔
- بشیر حسین، محمد، (۱۹۶۹م) فهرست مخطوطات شیرانی، لاهور، دانشگاه پنجاب۔
- تفهیمی، ساجدالله اور محمد جواد شمس، (۱۳۸۴ش)، ابوعلی قلندر پانی پتی (دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، ج. ۱)، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی۔

- حسیب القادری، محمد، (س . ن) سیرت حضرت بو علی شاہ قلندر رحمہ اللہ۔ لاہور، اکبر بک سیلرز۔
- حمید الدین بن فضایل، حضرت، (۱۳۲۲ھ) شرف المناقب (ترجمہ، لالہ چرنپی لال صاحب)، دہلی، افضل المطابع،
- چشتی، حضرت شیخ عبدالرحمن، (۲۰۰۴م) تذکرہ مرآۃ الاسرار، لاہور، الفیصل ناشران۔
- خان آصف، اللہ کے ولی، (۲۰۱۰م) لاہور، القریش پبلی کیشنز۔
- ربیعان، (۱۳۸۰ھ) ابو علی قلندر پانی پتی (دانشنامہ ادب فارسی، ج. ۴)، تہران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی۔
- ریاض محمد، دکتہر، (۱۹۷۷م) اقبال اور فارسی شعرا، لاہور، اقبال اکادمی پاکستان۔
- ریاض محمد، دکتہر و دکتہر صدیق شبلی، (۲۰۱۱م) فارسی ادب کی مختصر ترین تاریخ، لاہور، سنگ میل پبلی کیشنز۔
- زاہد، پروفیسر صادق، (۲۰۱۰م) فارسی شاعری کے عظیم صوفیائے کرام، لاہور، دارالشعور۔
- زاہد حسین انجم، (۲۰۰۵م) اردو انسائیکلو پیڈیا، لاہور، فیروز سنز۔
- سہروردی، حکیم لیاقت علی، (۲۰۱۰م) اڑھائی قلندر، لاہور دانش پبلی کیشنز۔
- سید جواد ہمدانی، دکتہر، (۲۰۱۳م) خدا شناسی از دیدگاه جامی و عالمپوری (سفینہ)، لاہور، دانشکدہ خاور شناسی، دانشگاه پنجاب۔
- شبلی نعمانی، مولانا، (۱۹۵۹م) سوانح مولانا روم، لاہور، سجاد پبلشرز۔
- صدیق خان شبلی، محمد، (۲۰۰۶م) ترجمہ دیوان بو علی قلندر مع مثنوی، لاہور، الفیصل ناشران۔
- طاہر لاہوری، (س . ن) صوفیائے کرام، لاہور، پاکستان کیلیگراف آرٹس گلڈ قذافی سٹیدیئم،

- عارف نوشاہی، (۱۳۷۳ش) ابو علی قلندر پانی پتی (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج. ۶)، تہران، خیابان حمید۔
- عارف نوشاہی، (۲۰۱۱م) فہرست نسخہ های خطی فارسی، لاہور، دانشگاه پنجاب۔
- عالم فقری، (۲۰۱۳م) تذکرہ اولیائے ہندوستان، لاہور، حبیب پبلشنگ ہاؤس۔
- عبدالحق دہلوی، محدث، (۲۰۰۴م) اخبار الاخیار فی اسرارالابرار، ایران، کتابخانہ ملی۔
- عبدالرحمن، سید صباح الدین، (۱۹۸۷م) بزم صوفیہ، کراچی، نفیس اکیڈمی۔
- عطاء، محمد و حبیب اللہ مظہر، (۱۹۳۳م) مفتاح الغیب شرح دیوان بو علی قلندر، سیالکوٹ، نظامیہ قلندریہ جیتھی کے۔
- قاسم محمود، سید، (۲۰۰۵م) اسلامی انسائیکلوپیڈیا، لاہور، الفیصل ناشران۔
- قلندر، بو علی شاہ، (۱۹۵۲م) مثنوی بو علی شاہ قلندر رحمہ اللہ (مترجم، مفتی محمد امجد حسین)، لاہور، ملک دین محمد ایند سنز ایند پبلشرز۔
- قلندر، شرف الدین بو علی شاہ رحمہ اللہ، (۱۸۹۰م) کلام قلندری میرتہ، مطبع جت پرشاد۔
- کھوکھر، ایم زمان، (۲۰۰۰م) اولیائی ہند اور مسلمانوں کی عظمت کے نشان (با تصویر)، گجرات، یاسر اکیڈمی۔
- محمد سعید، میاں، (۱۹۸۵م) تذکرہ مشایخ شیراز از ہند (جونپور)، لاہور، اسلامک بک پبلشرز،
- معصومہ غلامی، دکتہ، (۲۰۱۵م) مثنوی معنوی کی اردو تراجم اور شروح (سفینہ)، لاہور، دانشکدہ خاور شناسی، دانشکدہ پنجاب، لاہور۔
- مصطفائی، علامہ محمد اجمل خان، (۲۰۱۷م) تصوف کا مکمل انسائیکلو پیڈیا (نظر ثانی، دکتہ محمد اعظم رضاء تبسم)، لاہور، پروگریسو بکس۔

- منزوی، احمد، (۱۹۹۰م) فہرست مشترک نسخہ های خطی فارسی پاکستان، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی۔
- نورالحسن، (۲۰۰۲م) ابو علی (بو علی) قلندر (اردو دائرہ معارف اسلامیہ، ج. ۱)، لاہور، دانشگاه پنجاب۔
- نیاز احمد، شیخ، (س.ن) انوار اصفیاء، لاہور: شیخ غلام علی سنز۔
- ہمدانی، محمد صادق دہلوی کشمیری، (۱۹۹۵م)، کلمات الصادقین (ترجمہ، لطیف اللہ)، کراچی، ادارہ نشرالمعارف۔

Athar Abbas Rizvi , Saiyed. (1975) A History of Sufism in India, New Delhi: Munshiram Monharlal Publishers.

Mohammad Abdul Hafeez , (1439) Biography of Hadrat Bu Ali Shah Qalandar, India: Hyderabad.